

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق

استاد راهنما:

دکتر سعید وثوقی

استاد مشاور:

دکتر سید جواد امام جمعه زاده

پژوهشگر:

ابراهیم ارم

آبان ۱۳۸۸



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی آقای ابراهیم ارم

"سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق"

در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ... به تصویب نهایی رسید.

| | | | |
|------|--------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر سعید وثوقی | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر سیدجواد امام جمعه زاده | ۲- استاد مشاور پایان نامه |
| امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر شهروز ابراهیمی | ۳- استاد داور داخل گروه |
| امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر حمیدرضا وارثی | ۴- استاد داور خارج از گروه |

مدیر گروه علوم سیاسی
دکتر حسین مسعودنیا

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج
مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی
از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق
به دانشگاه اصفهان است.

چکیده

با آغاز تحولات در بلوک شرق و از میان رفتن خطر نظامی پیمان ورشو، چنین بنظر می رسد که فلسفه وجودی ناتو هم از میان رفته باشد، ولی تحولات اروپای شرقی در سالهای بعد بویژه بروز جنگ در جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی بهانه و توجیحات مناسبی برای تداوم وجود ناتو بود تا از طریق این سازمان، اروپا بر مخاطرات و بحران ها فایق آید . با فروپاشی شوروی نه تنها ناتو از بین نرفت ، بلکه برای تضمین بقا و ادامه حیات خویش سیاست گسترش به شرق تا آسیای مرکزی و قفقاز را درپیش گرفت.تأمین امنیت و ثبات در منطقه اروپا – آتلانتیک استقرار و تثبیت نظام های دموکراتیک در حوزه نفوذ شوروی و جمهوری های تازه استقلال یافته ی شوروی سابق که به طور طبیعی به تقویت و نفوذ آمریکا در این منطقه انجامید، از مهمترین دلایل گسترش ناتو به شرق که به نظر می رسد. اهداف ناگفته های دیگری برای گسترش ناتو نیز مطرح باشد که جلوگیری از نفوذ و گسترش روسیه از جمله این اهداف ناگفته این سازمان می باشد . بنابراین گسترش ناتو به شرق و نزدیک شدن آن به مرزهای روسیه نه تنها منافع ملی این کشور را از بین می برد، بلکه باعث ایجاد تهدیدات جدی برای این کشور می باشد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، ناتو، گسترش ناتو به شرق

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

| | |
|-------|------------------------------|
| ۱ | مقدمه..... |
| ۱-۱-۱ | شرح و بیان مسئله پژوهشی..... |
| ۲-۱ | کلید واژه ها..... |
| ۱-۲-۱ | سیاست خارجی..... |
| ۲-۲-۱ | گسترش ناتو به شرق..... |
| ۳-۲-۱ | ناتو..... |
| ۴-۲-۱ | ژئوپلیتیک..... |
| ۵-۲-۱ | پیشینه و تاریخچه موضوع..... |
| ۳-۱ | اهداف تحقیق..... |
| ۴-۱ | اهمیت و ارزش تحقیق..... |
| ۵-۱ | کاربرد نتایج تحقیق..... |
| ۶-۱ | فرضیه‌های تحقیق..... |
| ۷-۱ | روش تحقیق..... |
| ۸-۱ | ابزار گردآوری..... |
| ۹-۱ | ابزار تجزیه و تحلیل..... |

فصل دوم: چارچوب نظری

| | |
|-------|---|
| ۱۰ | مقدمه..... |
| ۱-۲ | تعاریف ژئوپلیتیک..... |
| ۲-۲ | تئوری‌های ژئوپلیتیک..... |
| ۳-۲ | دوره‌های شکل‌گیری ژئوپلیتیک..... |
| ۱-۳-۲ | دوره تولد..... |
| ۲-۳-۲ | دوره افول..... |
| ۳-۳-۲ | دوره احیاء..... |
| ۴-۲ | تحلیل ژئواستراتژی روسیه و آمریکا در قرن جدید..... |

| | | |
|--------|---|----|
| ۲-۵- | پیامدهای ژئوپلیتیک فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی..... | ۱۹ |
| ۲-۶- | تقابل روسیه با آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز در حوزه ژئوپلیتیکی..... | ۲۰ |
| ۲-۶-۱- | روسیه..... | ۲۱ |
| ۲-۶-۲- | آمریکا و ناتو..... | ۲۳ |
| ۲-۷- | اهداف و منافع آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز..... | ۲۸ |
| ۲-۷-۱- | اهداف و منافع آمریکا..... | ۲۸ |
| ۲-۷-۲- | منافع و اهداف روسیه..... | ۲۹ |
| ۲-۸- | نتیجه‌گیری..... | ۳۰ |

فصل سوم: اهداف و دلایل گسترش ناتو به شرق

| | | |
|--------|--------------------------------|----|
| | مقدمه..... | ۳۲ |
| ۳-۱- | دلایل گسترش به شرق ناتو..... | ۳۳ |
| ۳-۱-۱- | تحکیم هژمونیک آمریکا..... | ۳۳ |
| ۳-۱-۲- | تامین امنیت و تقویت ثبات..... | ۳۹ |
| ۳-۱-۳- | مشارکت برای صلح..... | ۴۲ |
| ۳-۱-۴- | دست یابی به منابع اقتصادی..... | ۴۸ |
| ۳-۱-۵- | اقدام به عضویت..... | ۵۱ |
| ۳-۲- | نتیجه‌گیری..... | ۵۱ |

فصل چهارم: سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق

| | | |
|--------|---|----|
| | مقدمه..... | ۵۳ |
| ۴-۱- | سیاست خارجی روسیه..... | ۵۴ |
| ۴-۲- | دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به سمت شرق..... | ۵۸ |
| ۴-۲-۱- | تلقی روسیه از گسترش به مفهوم تهدیدی علیه امنیت روسیه..... | ۵۸ |
| ۴-۲-۲- | گسترش ناتو در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل..... | ۵۸ |
| ۴-۲-۳- | از بین رفتن مناطق حائل..... | ۶۲ |
| ۴-۲-۴- | جمهوری‌های خارج نزدیک..... | ۶۴ |
| ۴-۲-۵- | مخالفت روسیه در راستای دست یابی به منافع اقتصادی..... | ۶۹ |

عنوان

صفحه

| | |
|---|----|
| ۳-۴- راه کارهای احتمالی روسیه در قبال گسترش ناتو..... | ۷۰ |
| ۳-۴-۱- تقویت همکاری با کشورهای مخالف با غرب..... | ۷۰ |
| ۳-۴-۲- تشکیل اتحادیه نظامی CIS..... | ۷۱ |
| ۳-۴-۳- ایجاد فضای نا امنی..... | ۷۲ |
| ۴-۴- حوزه های همکاری روسیه و ناتو..... | ۷۴ |
| ۴-۵- نتیجه گیری..... | ۷۸ |
| نتیجه گیری | ۷۹ |
| منابع و مآخذ..... | ۸۴ |

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

ناتو در پی فروپاشی نظام دوقطبی در جهان در صدد باز تعریف خویش برآمده است. به طور کلی ناتو در دهه ۱۹۹۰ با این توجیه که ریشه های تهدید زمان شوروی هنوز در روسیه باقی است، به حیات خود ادامه داد. ورود ناتو به عرصه مدیریت بحران های بین المللی به نقش آفرینی این پیمان افزوده است، به نحوی که از این پیمان به عنوان بازوی نظامی سازمان ملل متحد نام برده می شود. ناتو تحت رهبری آمریکا مهار چین و روسیه را در اهداف بلند مدت خویش مد نظر دارد. موافقان گسترش ناتو به شرق که در رأس آنها آمریکا قرار دارد، با این توجیه که نباید فرصت تجدید ساختار را به روسیه داد، گسترش سریع ناتو را مد نظر دارند. به نظر می رسد یک دلیل مهم برای حمایت آمریکا از توسعه سریع ناتو، این است که ورود کشورهای اروپای شرقی و مرکزی می تواند عاملی برای حمایت آنها از مواضع و استیلاي آمریکا بر این سازمان باشد، چرا که این اعضای جدید از سویی با توجه به مشکلات اقتصادی خود، مایل به داشتن روابط خوب با آمریکا بوده و از دیگر سو، با توجه به بی طرفی نسبی

آمریکا در اروپا، کشورهای جدید احساس امنیت بیشتری می کنند و لذا برای تأمین بیشتر منافع خود مایل به ادامه حضور فعال آمریکا در اروپا و رهبری ناتو خواهند بود.

ناتو برای گسترش به شرق همواره کوشیده است تا حرکت خود را در مناطق جدید (اروپای شرقی و مرکزی)، متناسب با حساسیت های روسیه تنظیم کند. مقامات ناتو مکرراً به روسیه اطمینان داده اند که توسعه ناتو، منافع روسیه را به خطر نخواهد انداخت. روسیه همواره یک قدرت سرزمینی بوده است و تسلط بر منطقه پیرامونی را یکی از اهداف خود تعیین نموده است. شرایط ژئوپلیتیک روسیه، عدم وجود قدرت همپراز در منطقه و ضعف قدرت های محلی، همه از آثار بارز تمایل به توسعه طلبی ارضی از طرف روسیه بوده است. اولویت های سیاست مداران مسکو پس از فروپاشی شوروی در نگرش به مناطق پیرامونی و در عرصه منافع ژئوپلیتیک دچار تغییر نشده است.

این پژوهش مشتمل بر چهار فصل و نتیجه گیری می باشد. در فصل اول به کلیات پژوهش پرداخته می شود، در فصل دوم ابزار تجزیه و تحلیل مورد بررسی قرار می گیرد که ابزار تجزیه و تحلیل در این پژوهش ژئوپلیتیک می باشد، هر چه مسکو در گسترش نفوذ خود در خارج نزدیک موفق تر باشد، چالش بزرگ تری برای منافع آمریکا در خاور میانه و اروپا به وجود می آورد. برای دولت آمریکا بازگشت روسیه به صحنه بازی رقابت ژئوپلیتیک در اوراسیا به معنای بازگشت به دوران جنگ سرد خواهد بود. در فصل سوم به اهداف و دلایل گسترش ناتو به شرق پرداخته شده، که از مهمترین دلایل گسترش ناتو به شرق می توان به تثبیت هژمونی آمریکا و دستیابی به منابع و منافع اقتصادی اشاره کرد که در این فصل به آنها اشاره شده است. در فصل چهارم به سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق پرداخته شده است، در این فصل به سیاست های حاکم بر روسیه و اقدامات - شان در قبال گسترش ناتو و غرب پرداخته شده که از مهمترین اقدامات روسیه در این قبال می توان به تشکیل اتحاد نظامی کشورهای مشترک المنافع و همچنین تقویت کشورهای مخالف غرب پرداخته شده است. و در پایان پژوهش نیز به نتیجه گیری کلی پرداخته شده است.

۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

اعضای ناتو معتقد بودند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها فلسفه ی وجودی ناتو از بین نرفته است بلکه تهدیدها، متنوع تر و چند جانبه تر نیز شده است. بر همین اساس وظیفه ی این سازمان همواره آن است که حافظ منافع و امنیت اعضای خود باشد. از دیدگاه اعضای ناتو کشورهای اروپای شرقی و جمهوری های باز

مانده از فروپاشی شوروی می‌توانند باعث هر گونه بی‌ثباتی و بحران باشند. لذا ناتو باید جهت کنترل بحران، کشورهای مذکور را به تدریج به عضویت بپذیرد و آنها را در نظام امنیتی دسته جمعی خود ادغام نماید (قائدی، ۱۳۷۹:۱). هر چند که مرحله نخست گسترش ناتو به شرق در زمان کلیتون انجام پذیرفت لیکن این طرح یکی از اولویت‌های نو محافظه‌کاران نیز بوده است. نو محافظه‌کاران گسترش ناتو به شرق را به معنای کاهش قدرت سرزمینی روسیه و اروپای غربی و تحکیم قدرت آمریکا تلقی می‌کنند (Wilson, 1997:4).

علت مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق این است که گسترش ناتو به شرق در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل و از بین رفتن منطقه حائل و هم‌مرزی ناتو با این کشور می‌گردد. عدم تمایل روسیه برای عضویت در ناتو هم این است که روسیه خود را یک قدرت بزرگ می‌داند و نمی‌خواهد خود را با ملزومات عضویت در ناتو محدود سازد. (کیانی، ۱۳۸۶:۳۵).

اساس استدلال کسانی که همگرایی روسیه با ناتو را یک ضرورت می‌دانند بر وجود اهداف مشترک این دو بازیگر بین‌المللی استوار می‌باشد. بیکر در این زمینه می‌نویسد: نمی‌توان راه بهتری را برای تقویت نقش سیاسی ناتو بدون عضویت روسیه پیدا کرد (Beker, 2002:98).

تحقق این همگرایی موجب تضعیف تهدیدات داخلی متوجه فرآیند دموکراسی سازی در روسیه و ایجاد یک نظام امنیتی کارآمد در اروپا پس از جنگ سرد می‌شود. مهمتر از همه، روسیه دیگر به گسترش این سازمان به شرق به منزله یک تهدید نگاه نخواهد کرد.

در واقع به نظر می‌رسد موضع روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق مبنی بر عدم حمایت از آن خواهد بود. روسیه در حقیقت نگران ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید، واحدهای نظامی و تاسیسات یک اتحاد نظامی قدرتمند در اطراف مرزهای خود می‌باشد. اگر چه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر حوزه‌های مشخص و مشترکی بین روسیه و ناتو مانند مبارزه با تروریسم، منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با مواد مخدر نیاز مشترک دو طرف تلقی می‌گردد و این باعث شده که رهبران روسیه بارها اعلام کنند که با گسترش ناتو به سمت شرق هیچ مخالفتی ندارند و ما شاهد شکل‌گیری همکاری روسیه با اوپا-آمریکا تحت عنوان شورای ناتو هستیم و از این طریق برای روسیه ایجاد فرصت می‌کند. در حالی که روسیه گسترش ناتو را پذیرفته است، ولی این دیدگاه را دارد که گسترش ناتو غیر ضروریست و این مسئله، به افزایش امنیت یورو-آتلانتیک کمک نمی‌کند (دارمی، ۱۳۸۶:۱۹۱).

در حال حاضر به نظر می‌رسد روسیه تمایل دارد تا روابط نزدیکتری را با ناتو و اروپا دنبال نماید. این در حالی است که ناتو نیز گسترش این پیمان به سمت شرق را در گرو فرونشاندن هراس و بی‌اعتمادی روسیه به این سیاست می‌داند و به دنبال یافتن راه‌های ابتکاری در این خصوص می‌باشد. گسترش ناتو مهم‌ترین چالش امنیتی

روسیه است. این کشور شدیداً مخالف گسترش ناتو است، خصوصاً اگر این فرایند در برگیرنده کشورهای بلوک شرق سابق باشد. تمام گروه‌های موجود در روسیه حتی غرب‌گرایان مخالف گسترش ناتو به شرق هستند. در سال ۱۹۹۴ موافقت نامه همکاری بین روسیه و ناتو به امضاء رسید. هدف از این مفق‌نامه، ایجاد همکاری بین روسیه و ناتو بود. در کنار آن حتی اعلام شد که این همکاری حتی در صورت گسترش ناتو تداوم خواهد یافت. زمینه‌های نارضایتی روسیه زمانی آشکار شد که مقامات ناتو اظهار داشتند که روسیه فقط می‌تواند نظر خود را بیان کند و حق رأی ندارد. این در حالی بود که روسیه فکر می‌کرد موافقت‌نامه مذکور به منزله مشورت با این کشور و ایجاد شورای مشترک دائمی است.

۲-۱-۱- کلید واژه ها

۲-۱-۱- سیاست خارجی: (Foreign Policy)

سیاست خارجی یا سیاست گذاری خارجی همانند دیگر دستگاه‌های سیاست گذاری کشور فرض می‌شود و همانند دستگاه‌های دیگر استراتژی خود را به شکل موضوع و جزئی، نسبت به نیازهای داخلی و عرصه‌های مختلف منطقه ای و بین‌المللی تعیین کند. (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۹۳).

سیاست خارجی راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خودش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می‌آورد (قوام، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

۲-۱-۲- گسترش ناتو به شرق: (Expansion of Nato to East)

با پایان جنگ سرد و از بین رفتن خطر کمونیزم ناتو برای جلوگیری از به زیر سوال رفتن ماهیت خود دست به تغییراتی در استراتژی خود زد، یکی از راهکارهای اساسی ناتو در مقابله با خلاء هویتی، پاسخ به نیازهای امنیتی بلوک پیشین و به عبارت دیگر توجه و حرکت به سمت شرق بود. این حرکت باعث شد که به تدریج کلیه اعضای سابق پیمان ورشو به عضویت ناتو در آیند. (روشندل، ۱۳۷۵: ۱۴۳)

۲-۱-۳- ناتو: (Nato)

سازمانی است که در سال ۱۹۴۸ و در پی دعوت وزرای خارجه انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ از ایالت متحده و کانادا برای پیوستن به پیمان اتحاد و امنیت و دفاع دوجانبه شالوده ناتو پی ریزی گردید، و سرانجام در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۴۹ پیمان آتلانتیک شمالی در وزارت امور خارجه آمریکا توسط وزرای خارجه ۱۲ کشور در حضور ترومن به امضاء رسید (فلاح، ۱۳۷۲: ۳۲).

۲-۱-۴- ژئوپولیتیک: (Geopolitic)

ژئوپولیتیک که معادل فارسی آن «سیاست جغرافیایی» است، رویکرد یا دیدگاهی است برای سیاست بین‌الملل که سعی دارد تا رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی را برحسب محیط طبیعی توضیح دهد. برطبق این رویکرد، ژئوپولیتیک توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند، معطوف می‌دارد (میرحیدر، ۱۳۶۹: ۱۸).

۲-۱-۵- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

عامری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان ناتوی جدید در معادلات بین‌المللی به جایگاه ناتو در سیاست جهانی آمریکا، و واکنش قدرت‌های دیگر به ویژه روسیه به گسترش این سازمان پرداخته است و از سوی دیگر نیاز به بازسازی ناتو و انجام اصلاحات در ساختار آن را برای انطباق با شرایط جدید مورد بررسی قرار داده است. آمریکا همچنین در پیش برد سیاست جهانی خویش یعنی مبارزه با تروریسم بین‌المللی و عملیات پیشگیرانه نظامی جهت جلوگیری از افزایش سلاح‌های کشتار جمعی، فعال ساختن ناتو را ضروری تلقی می‌کند.

کیانی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو، سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو را تحت الشاع اقدام این سازمان در باز کردن درهای عضویت خود به روی کشورهای اروپای شرقی می‌داند. اگرچه از ابتدای دهه ۱۹۹۰، زمزمه‌های گسترش ناتو به سمت شرق آغاز گردید، لیکن از سال ۱۹۹۴ به بعد بود که به تدریج به یک نگرانی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. با توجه به این که هویت ژئوپولیتیک روسیه به سیاست خارجی این کشور ماهیت واکنشی و تدافعی بخشیده است، چنین به نظر می‌رسد که پس از فروپاشی نظام دو قطبی و افول منزلت بین‌المللی روسیه از ابر قدرتی به قدرت بزرگ، این کشور با پیگیری سیاستی عمل‌گرایانه اصل گسترش ناتو به شرق را به شکل مشروط پذیرفته باشد.

فلاحی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان چارچوب جدید استراتژیک در روابط روسیه و ناتو عنوان می‌کند که پس از جنگ جهانی دوم، غرب نگرش خود را در قبال روسیه در قالب ناتو عمدتاً بر اساس دستو کار امنیتی با ساختار درون‌گرایانه دفاع دسته‌جمعی بنا نهاده بود. پس از جنگ سرد و از بین رفتن دشمن مشترک، روند اصلاحات ساختاری در ناتو با توجه به سه مولفه مشارکت برای صلح، شورای آتلانتیک شمالی و گسترش ناتو به شرق در حالی آغاز گردید که خلاء وجود یک دشمن استراتژیکی احساس می‌شد. رویداد ۱۱ سپتامبر، خلاء مزبور را پر نمود و گام دیگری در بهبود روابط میان روسیه و غرب با محوریت مبارزه با تروریسم برداشته شد که

نهایتاً در قالب گسترش همکاری روسیه با اروپا-آمریکا تحت عنوان شورای ناتو در اجلاس رم متبلور گردید.

توافق روسیه و غرب در قالب شورای روسیه-ناتو چالشهای به همراه دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

- توافق روسیه و ناتو به شرط آن است که منافع حیاتی روسیه به خطر نیفتد.

-احتمال عضویت روسیه در ناتو با توجه به وحشت کشورهای بالتیک و اروپای مرکزی از قدرت گرفتن مجدد روسیه بسیار اندک می باشد.

- گسترش ناتو به شرق به ویژه عضویت آتی و کامل روسیه در این نهاد نظامی-سیاسی به معنای گسترش نفوذ آمریکا بر خلاف خواسته های اتحادیه اروپا خواهد بود چرا که دولت های اروپای شرقی و مرکزی مایل با همکاری بیشتر با آمریکا هستند.

امیری (۱۳۸۳)، در مقاله ای تحت عنوان نگاه ویژه ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز عنوان می کند که از دیدگاه استراتژیست های ناتو، اوضاع جدید بین المللی الزامات و امکاناتی را برای گسترش حوزه ی نفوذ ناتو فراهم کرده است که در راستای تامین امنیت بیشتر اعضا در مفهوم و شرایط جدید آن است. ناتو برنامه گسترش به شرق را در قالب دو برنامه ی شورای همکاری، طرح مشارکت دنبال کرده است در ارتباط با مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، ناتو مخصوصاً بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در فرایند مبارزه با تروریسم به تقویت حضور خود در این مناطق استراتژیک اقدام کرده است. که به نظر نویسنده این اقدامات موجب نارضایتی روسیه از توسعه حضور ناتو در حریم استراتژیکی او شده و خود را تحت کنترل ناتو دیده و به تکاپو وا داشته است.

در این پژوهش ها به سیاست روسیه در قبال ناتو پرداخته نشده و اگر هم پرداخته شده باشد به صورت مختصر بوده است. در این پایان نامه سعی می شود به سیاست روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق و فرصت ها و تهدیداتی که گسترش ناتو به شرق برای روسیه به وجود می آورد، در راستای اهداف تحقیق مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱-۳- اهداف تحقیق

هدف اصلی

هدف از این تحقیق این است که با پرداختن به زوایای مختلف گسترش ناتو به شرق، بررسی شود که گسترش ناتو به شرق تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی روسیه ایجاد می کند یا گسترش ناتو به شرق برای روسیه ایجاد فرصت می کند.

اهداف فرعی

۱) تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو

۲) تبیین علل و زمینه های گسترش ناتو به شرق

۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

اهمیت این تحقیق بر این است که هم اکنون مرحله ی نوینی پس از نظام دو قطبی ایجاد گردیده و ناتو می تواند نقش بسزایی در تحولات بین المللی ایفا نماید. لذا، شناخت ناتو می تواند ما را به شناخت بهتر نظام بین المللی رهنمون سازد.

۱-۵- کاربرد نتایج تحقیق

این تحقیق به لحاظ این که به یک موضوع محوری در حوزه ی امنیتی یعنی گسترش ناتو و عکس العمل روسیه در مقابل آن می پردازد از این منظر می تواند در سیاست گذاری های امنیتی بخصوص در ارتباط با روسیه مورد توجه قرار گیرد. البته این تحقیق می تواند برای علاقه مندان و دانشجویان حوزه ی روابط بین الملل در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی و همچنین در نهاد هایی نظیر وزارت امور خارجه ، کاربرد داشته باشد.

۱-۶- فرضیه ها تحقیق

فرضیه اصلی

گسترش ناتو برای منافع و امنیت ملی روسیه دربردارنده تهدیدات است و روسیه در حقیقت با گسترش به شرق این سازمان مخالف است

فرضیه های فرعی

۱- روسیه با توجه به شرایط اقتصادی و نظامی خود در حال حاضر گسترش ناتو را به صورت مشروط و کنترل شده پذیرفته است.

۲- هدف از گسترش ناتو به سمت شرق به معنای کاهش قدرت سرزمینی روسیه و اروپای غربی و تحکیم هژمونی آمریکا تلقی می‌شود.

۱-۷- روش تحقیق

نوع تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی و تحلیلی است، و روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

۱-۸- ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهشگر سعی دارد با فیش برداری کتاب، نشریات تخصصی، منابع اینترنتی و روزنامه‌ها به گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش بپردازد.

۱-۹- ابزار تجزیه و تحلیل

ژئوپلیتیک در مفهوم مصطلح خود از اواخر قرن نوزدهم و تحت تاثیر تحولات اروپا وارد ادبیات سیاسی_ نظامی شد.

ژئوپلیتیک به معنای عمومی آن یعنی نقش عوامل جغرافیای در سیاست است (Taylor, 1993:33). ژئوپلیتیک منطقی برای شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکانات جغرافیایی است (افشردی، ۱۳۸۰: ۶). دوران حیات ژئوپلیتیک را معمولاً به سه دوره تقسیم می‌کنند:

۱- دوره تولد (از اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ دوم جهانی)؛ دیدگاه حاکم بر این دوره که دوره کلاسیک نیز نامیده می‌شود، فضایی-سرزمینی است. این دیدگاه منشا افزایش قدرت دولت‌ها را صرفاً در تصرف سرزمین و فضاها جغرافیایی دانسته و بر این باور است که هر چه اقتدار و نفوذ فیزیکی در یک فضا بیشتر باشد، قدرت دولت بیشتر خواهد بود. (Parker, 1989:168).

۲- دوره افول (پایان جنگ دوم جهانی تا اواسط دهه هفتاد)؛ برای مدت حدود ۴۰ سال پس از جنگ دوم جهانی، ژئوپلیتیک به عنوان یک اصطلاح یا یک روش منسوخ گردید و علت این امر عمدتاً مربوط به انتساب آن به جنگ افروزی بود (House, 1972:35).

۳- دوره احیاء (اواخر دهه هفتاد به بعد) جهان بینی دو قطبی آمریکا- شوروی و سیاست مهار شوروی نشأت گرفته از این جهان بینی که پایه و اساس سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می‌داد.

ژئوپولیتیک و سیاست خارجی: دانش تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها، دانش مناطق بحرانی، دانش تحلیل نظام‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دانش برخورد نظامی بر سر مرزها و ریشه یابی نزاع‌های مرزی و دانش کنترل مناطق استراتژیک می‌باشد. در عین حال می‌توان گفت با توجه به پایان دوران جنگ سرد به عنوان دوران نزاع ایدولوژیکی در جهان، ژئوپولیتیک بیش از گذشته به عنوان عاملی برای واقع‌گرایان در مباحث سیاست خارجی کشورها، به طور روز افزونی مورد توجه قرار گرفته است. (افشردی، ۱۳۸۰: ۱۰)

با توجه به نظریاتی که در مورد ژئوپولیتیک وجود دارد می‌توان برای تبیین و توضیح این پژوهش از نظریه مکیندر استفاده کرد، زیرا از یک طرف هدف ناتو از گسترش به شرق آن سلطه بر منطقه اوراسیا می‌باشد، و سلطه بر اوراسیا را سلطه بر کل جهان می‌داند، و از طرف دیگر چون گسترش ناتو به شرق برای روسیه تهدید محسوب می‌شود و باعث هم‌مرز شدن روسیه و ناتو می‌شود و باعث می‌شود که ناتو وارد حیات خلوت روسیه شود، لذا روسیه با گسترش ناتو به شرق مخالف است.

فصل دوم:

چهارچوب نظری

مقدمه

از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرآیند تحقیق بر نظامی منطقی و در روند تحلیل بر بهره‌گیری استوار می‌باشد که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت اثرات خود را در صحنه سیاسی یک محیط جغرافیایی بر جا نهاده‌اند. از این رو، تحلیل ژئوپلیتیک در اتخاذ سیاست عملی دولت‌ها می‌تواند از قابلیت خوبی برخوردار باشد. از آنجا که بین عوامل جغرافیایی و سیاست دولت‌ها ارتباط وجود دارد، دولت‌ها با توجه به اوضاع جغرافیایی کشور خود اقدام به سیاست‌گذاری می‌کنند. به همین دلیل مطالعات ژئوپلیتیکی اهمیت ویژه‌ای دارد. ژئوپلیتیک علاوه بر بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشور، به تفسیر وقایع نیز می‌پردازد و می‌تواند تحولات آینده را تحلیل و گمانه‌زنی نماید (Sullivan, 1986:2).

۲-۱- تعاریف ژئوپلیتیک^۱:

ژئوپلیتیک در مفهوم مصطلح خود از اواخر قرن نوزدهم و تحت تاثیر تحولات اروپا وارد ادبیات سیاسی - نظامی شد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۸).

واژه ی ژئوپلیتیک برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن^۲ سوئدی^۳ به کار برده شد. او در هنگام بیان نظریه ی خود تحت عنوان «کشور موجودی زنده^۴» با ارایه ساختاری پنج وجهی از کشور، ساخت فیزیکی - فضایی کشور را ژئوپلیتیک نامید (Taylor, 1993: 33).

اما ژئوپلیتیک به معنای عمومی آن یعنی نقشی عوامل جغرافیایی در سیاست، قدمتی بسیار دارد (حافظ نیا، ۱۳۷۶: ۳).

تمایل آلمان^۵ برای برهم زدن وضع موجود جهان و به دست آوردن مستملکات جدید یا حداقل باز پس گیری سرزمین های از دست داده و هم چنین تفکراتی مانند داروینیسیم اجتماعی که توجیه گر قدرت طلبی انسان و در مرحله ی بعدی دولت ها به تبعیت از قواعد حاکم بر طبیعت به عنوان یک روال منطقی، به عنوان مهمترین عوامل شکل گیری ژئوپلیتیک نام می برند (کریمی پور، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۳).

جغرافی دانان با دیدگاه های مختلف، تعاریف متنوعی را از ژئوپلیتیک ارایه نمودند. برخی از این تعاریف همچنان قالب کلاسیک خود را حفظ کرده و برخی از تعاریف کاملاً نو به نظر می رسند: کسینجر^۶ می نویسد:

«قصد من این بود که سیاست خارجی آمریکا را بر پایه نوعی درک هوشیارانه از منافع ملی دائمی بنا کنم و نه بر پایه احساسات متغیری که در گذشته ما را به افراط در دخالت و یا انزوا سوق داده بود و این درک هوشیارانه از منافع ملی دائمی به شناخت دقیق شرایط ژئوپلیتیکی وابسته می باشد» (واعظی، ۱۳۸۶: ۴).

بهره گیری فراوان کسینجر از مفهوم ژئوپلیتیک در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ موجب توجه بیشتر به این مفهوم در صحنه سیاسی جهان و محافل علمی شد (کسینجر، ۱۳۸۳: ۵۷).

1- Geopolitics

2- Kjellen.R

3 -Sweden

4- The stateasan organism

5 -Germany

6- kissinger